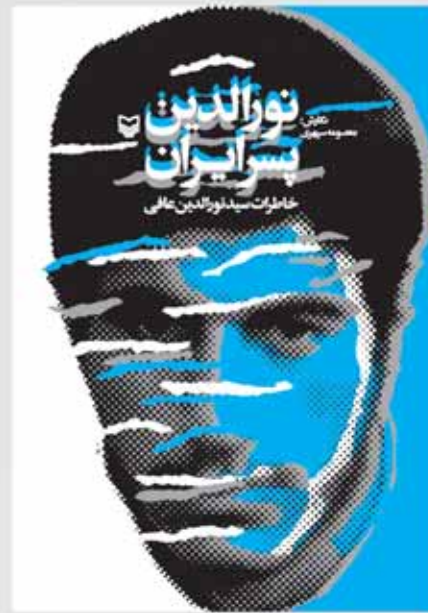


ادبیات پایدار

در ایران و جهان

فاطمه نورمحمدی، کارشناس ارشد ادبیات پایداری



مقدمه

ادبیات پایداری ریشه‌ای کهن در تاریخ جهان دارد و می‌دانیم تاریخچه آن در واقع تاریخ جهان است. شرایط کشورهایی مانند افغانستان، عراق، لبنان، فلسطین، سوریه و نیز کشورهای آمریکای لاتین که در آن‌ها مبارزه علیه برده‌داری فشار زیادی بر مردم وارد آورده بود، زمینه را برای خلق آثار ادبی فراهم آورد که هر یک همچون سندی حکایتگر گذشته ملتی است که مقاومت و پایداری در برابر ظلم را پیشه خود کرده است. کتاب «کلبه عمو تم» نمونه‌ای از این آثار است که با مضمون نظام سلطه برده‌داری و در قالب رمان به چاپ رسیده و بخشی از این اثر در کتاب درسی دوره دوم دبیرستان گنجانده شده است. در ایران نیز ادبیات

چکیده

با توجه به گستردگی مفهوم ادبیات پایداری در جهان، در این مقاله به معرفی نمونه‌ای برجسته از رمان ادبیات پایداری جهان با عنوان «کلبه عمو تم» که بخشی از این اثر در کتاب درسی سال دوم دبیرستان آمده است، می‌پردازیم. از آنجا که ادبیات پایداری در دوره معاصر ایران به شکل ادبیات دفاع مقدس نمود یافت، در کنار این اثر دو نمونه کتاب خاطره دفاع مقدس با عنوان‌های «پایی که جا ماند» و «نورالدین، پسر ایران» را معرفی می‌کنیم.

کلیدواژه‌ها: ادبیات پایداری، کلبه عمو تم، نورالدین پسر ایران، پایی که جا ماند

پایداری متأثر از ادبیات جهان رشد و نمو یافت، و با رویداد بزرگی چون دفاع مقدس به اوج شکوفایی رسید و زمینه‌ساز پیدایش آثار متنوعی از نثر و نظم شد که در این مقاله به دو نمونه از این آثار با عنوان‌های «پایی که جا ماند» و «نوردالدین، پسر ایران» اشاره می‌کنیم.

ادبیات پایداری

واژه پایداری با ظلم‌ستیزی عجین و تداعی‌کننده آن است. در تعریف این نوع از ادبیات آمده است:

«نوعی از ادبیات متعدد و ملتزم است که از طرف مردم و پیشروان فکری جامعه در برابر آنچه که حیات مادی و معنوی آن‌ها را تهدید می‌کند، به وجود می‌آید و هدفش جلوگیری از انحراف در ادبیات، شکوفایی و تکامل تدریجی آن است» (بصیری، ۲۶: ۱۳۸۸). این عنوان به آثاری اطلاق می‌شود که «تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غضب، قدرت و سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی و ... شکل می‌گیرد. بنابراین، جان‌مایه این آثار بیداد داخلی یا تجاوز بیرونی از همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و ایستادگی در برابر جریان‌های ضد آزادی است» (سنگری، ۱۳۸۱: ۲۶).

«بنابراین، آنچه در خلال این بررسی‌ها، به صورت سروده‌ها و نوشته‌هایی به کار رفته به نوعی، همدلی میهنی یا قومی در برابر تجاوز طبیعت محسوب می‌شود که به عنوان ادبیات پایداری قابل طرح هستند» (کاکایی، ۹: ۱۳۸۰). ادبیات پایداری در طول تاریخ جهان پیشینه‌ای طولانی دارد ولی گسترش ظلم و بی‌عدالتی و تقویت انگیزه دفاع از حق در شکل‌گیری و احیای آن نقش بسزایی داشته است. از چهره‌های برجسته‌ای که در این حیطه فعالیت کرده و آثار ارزشمندی به جا گذاشته‌اند می‌توانیم غسان کنفانی، محمود درویش و جبرا ابراهیم جبرا و ... و در ادبیات آمریکای لاتین پابلو نرودا را که با سرایش کتاب «انگیزه نیکسون کشی و جشن انقلاب شیلی» در سرزمین خود بر ضد نظام حاکم قیام کرد، نام ببریم.

رمان «کلبه عمو تم»

نمونه ارزشمندی از این ادبیات که در مبارزه با سیاست برده‌داری به نگارش در آمده، رمان «کلبه عمو تم» نوشته نویسنده‌ای از ایالت کنتاکی آمریکا، خانم هریت الیزابت بیچر است. او با نگارش این اثر جنب‌وجوش بی‌سابقه‌ای در میان مبارزان راه آزادی سیاه‌پوستان به راه انداخت.

۱.۲.۱. خلاصه رمان

«در میان هزاران برده‌مقیم استان کنتاکی شاید از همه بینواتر و ستم‌دیده‌تر «عمو تم» بود؛ مردی با جثه نیرومند و بازوان توانا که در کشتزار پهناور خانواده «شلبی» خدمت می‌کرد. علاوه بر عمو تم، عمه کلوته و دو فرزند تم یعنی پی پروموئیز،





ادبیات پایداری
در طول تاریخ
جهان پیشینه‌ای
طولانی دارد ولی
گسترش ظلم
و بی‌عدالتی و
تقویت انگیزه
دفاع از حق در
شکل‌گیری و
احیای آن نقش
بسیاری داشته
است

عمو تم برای بردن او به مزرعه آقای شلبی می‌رود. منظرهٔ وداع تم با خانواده‌اش آن قدر حزن‌آور است که خانم شلبی و فرزند او، جرج، بر این هجران ابدی اشک بسیار می‌ریزند. جرج، فرزند ارباب مهربان پیشین، سوگند یاد می‌کند که سرمایه‌ای به‌دست می‌آورد و دوباره عمو تم را می‌خرد. مقصد جدید عمو تم نیواورلئان است و کشتی به مقصد اورلئان آمادهٔ حرکت است. ارباب جدید به تصور آنکه ممکن است تم فرار کند، پای او را به زنجیر می‌بندد. در کشتی دختری است به نام «ایواسن کلر» که با پدر ثروتمند خود سفر می‌کند. این دختر کوچک شیفتهٔ مهربانی و شیرین‌کاری‌های عمو تم می‌شود. در یکی از روزهای سفر، بر اثر بازیگوشی این دختر خردسال به درون امواج خروشان می‌سی‌سی‌پرت می‌شود و تنها کسی که به کمک او می‌شتابد، همین بردهٔ سیاه- یعنی عمو تم- است. پدر ایوا به خاطر آن همه جوانمردی تم، با توجه به درخواست دخترش عمو تم را به قیمت زیادی از هالی می‌خرد و بدین ترتیب، زندگی نوینی برای تم آغاز می‌شود. عمه کلوت، همسر تم، با اجازهٔ اربابش تصمیم می‌گیرد در مغازهٔ شیرینی‌فروشی کار کند تا با پول آن بتواند همسرش تم را بخرد. تم از زندگانی نوین خویش راضی است و در مقام یک کالسکه‌چی به ارباب تازه‌اش خدمت می‌کند. چیزی نمی‌گذرد که ایوا، دختر آقای سن کلار، دختر مهربانی که عمو تم را مانند پدر دوست دارد، می‌میرد و غمی گرانبار بر غم‌های عمو تم افزوده می‌شود. ایوا به هنگام مرگ از پدرش می‌خواهد که همهٔ غلامان را آزاد کند اما این آرزوی او به واسطهٔ مرگ زودهنگام پدرش برآورده نمی‌شود. همسر آقای سن کلار که زن سخت‌دلی است، همهٔ کنیزان و غلامان را به بازار برده فروشی می‌برد و در آنجا به سیاه‌دلی به نام سیمون لگری می‌فروشد. سیمون لگری از تم انتظار دارد که بردگان را شلاق بزند و از آن‌ها بیشتر کار بکشد اما این سیاه‌پوست مهربان هرگز خواسته‌های او را برآورده

خانوادهٔ آقای جرج، یعنی الیزا همسر او و تنها فرزندشان هانری نیز از بردگان ساکن مزرعهٔ آقای شلبی بودند. پس از چند سال، آقای شلبی علیرغم میل قبلی به واسطهٔ بدهکاری مجبور می‌شود که عمو تم و هانری پسر جرج را به یکی از خریداران برده که به او بدهکار بود بفروشد. عمو تم وقتی متوجه می‌شود که باید به همراه ارباب تازه راهی استان‌های جنوبی شود، در برابر مشیت پروردگار سر تسلیم فرود می‌آورد. اما الیزا، زن جوانی که هانری تنها پسرش نیمی از تن و جان اوست، حاضر نمی‌شود در برابر ارادهٔ ارباب تمکین کند و تنها پسرش را از او جدا کنند. شوهر الیزا، آقای «جرج هاریس» در مزرعهٔ همسایه بردهٔ شخص دیگری است و الیزا راز خویش را با او در میان می‌گذارد. او شبی، هراسناک تصمیم خود را اجرا می‌کند و در یک شامگاه سرد زمستانی از کلبهٔ گرم خود فرار می‌کند و در حالی که فرزند عزیزش را در آغوش می‌فشارد، از آن دیار می‌گریزد؛ به امید آنکه روزی به خاک کانادا پانهد و زندگی تازه‌ای را از سر گیرد. فرار الیزا از میان کشتزارها و بی‌شده‌ها و رودها در هوای زمستان آسان نیست؛ به خصوص آنکه هالی، خریدار تازهٔ او هنگامی که از فرار او و پسرش آگاه می‌شود، افرادی را برای دستگیری آنان گسیل می‌دارد.

ساموئل و آندره، دو بردهٔ سیاه پوست آقای هالی، در کرانهٔ رود اوهایو به الیزا نزدیک می‌شوند و خود را برای دستگیری او آماده می‌کنند اما این زن شجاع همین که خطر اسارت و تحمل سختی‌های سنگین را نزدیک می‌بیند، به کاری مخاطره‌آمیز دست می‌زند. طفل خردسال خویش را به آغوش می‌فشرد و بر روی قطعهٔ شناوری از یخ که در مسیر امواج خروشان پیش می‌رفت، می‌پرد. الیزا با کمک گرفتن از قطعه‌های شناور یخ با تلاش و کوشش از چنگ نوکران هالی فرار می‌کند. مقارن همین روزها در مجلس سنای آمریکا قانونی تصویب می‌شود که به موجب آن غذا دادن و کمک کردن به سیاه‌های بینوایی که از ایالت کنتاکی می‌آیند، ممنوع است.

الیزا و فرزند خردسالش پس از عبور از رودخانه به خاطر سرمای شدید، شب را به خانهٔ یک سناتور پناه می‌آورند. سناتور با توجه به خطرات قانونی، با مشکلات فراوان شبانه آن‌ها را با کالسکه به منزل آقای جون وان ترومپ، از مخالفان سرسخت برده‌داری، می‌برد.

چند روز پس از فرار الیزا و هانری، ارباب جدید



نمی‌کند و به همین خاطر، بارها و بارها تا سر حد مرگ توسط لگری و نوکرانش تنبیه و شکنجه می‌شود.

پس از فرار کاسی و لینا از مزرعه لگری، خشونت لگری نسبت به تم بیشتر می‌شود و تصور می‌کند که تم از نقشه و جایگاه آن‌ها اطلاع دارد و حاضر نیست با لگری همکاری کند. به همین خاطر، عمو تم آن قدر توسط لگری تنبیه و شکنجه می‌شود تا اینکه می‌میرد. جرج شلبی، پسر اولین مالک تم، پس از فراهم کردن پول برای بازگرداندن و خریدن تم به سراغ لگری می‌رود اما بدبختانه اندکی دیر می‌رسد؛ زیرا عمو تم زندگی پر درد و رنج خویش را بدرود گفته است. جرج پیکر عمو تم را به کمک تعدادی از بردگان به تپه‌ای منتقل می‌کند و او را به خاک می‌سپارد» (عبدی، ۱۳۹۲: ۴۲).

با توجه به آنچه گفته شد، این گونه از ادبیات که از آن با عنوان ادبیات پایداری یاد می‌شود، از سویی قدمت و پیشینه‌ای طولانی دارد و از سویی دیگر، در دوره‌های متعدد با شروع تحولات اجتماعی و سیاسی در جای‌جای تاریخ حضور داشته است. برگ‌برگ تاریخ ایران هم نشان از این امر دارد که این نوع ادبی جایگاه ویژه‌ای در تاریخ این مرز و بوم داشته است و طی هشت سال دفاع مقدس به اوج و شکوفایی می‌رسد.

دفاع مقدس

ادبیات دفاع مقدس یکی از زیر مجموعه‌های ادبیات پایداری ایران است. در تعریف آن آمده است: «دفاع در لغت به معنی بازداشتن، پس زدن و حفاظت از دستبرد دشمن و مهم‌تر از آن از نظر فقهی جنگی است که مسلمانان برای جلوگیری از حمله کافران با آنان انجام می‌دهند. کلمه «مقدس» در ترکیب «دفاع مقدس» دارای نقش بیانی است - اضافه بیانی - و تأکیدی به همین معنا، یعنی جلوگیری از حمله کافران به مسلمانان است» (ترابی، ۱۳۸۹: ۳۲۰-۳۱۹). در اینجا نمونه‌هایی از آثاری را که با محتوای دفاع مقدس خلق شده‌اند، معرفی کنیم.

کتاب «نورالدین، پسر ایران»

کتاب نوشته معصومه سپهری و روایتگر ۸۰ ماه حضور یک جانباز ۷۰ درصد سیدنورالدین عافی در جبهه کردستان و خوزستان است.

برای گردآوری این اثر، ابتدا موسی غیور در سال ۱۳۷۳، ۴۰ ساعت مصاحبه با سید نورالدین عافی را به زبان آذری ضبط کرد. معصومه سپهری از سال ۱۳۸۳ کار پیاده‌سازی و تنظیم این مصاحبه‌ها را بر عهده گرفت. ایشان برای فراهم آوردن این کتاب ۷۰۰ صفحه‌ای شخصاً نیز چندین مصاحبه تکمیلی با صاحب‌خاطرات و هم‌زمان وی انجام داد. کتاب با تقدیم نمودن این اثر به دوست شهید و همراه نورالدین عافی، امیر مارالباش آغاز می‌شود.

این کتاب در ۱۸ فصل با عنوان‌های «کوچه باغ کودکی، کردستان، من ماندنی هستم، دو برادر، یک پرواز، زخم بر زخم، اردوگاه شهدای خیبر، پاسگاه زید، زندگی در جنگ، کربلای بدر، گردان ابوالفضل، خداحافظ امیر!، کارخانه نمک، غواصان حبیب، زخم کربلای چهار، خط شلمچه، زهوار در رفته!، فراهم آمده است.

خلاصه کتاب

سید نورالدین عافی در سال ۱۳۴۳ در روستای خلجان در نزدیکی تبریز متولد می‌شود. پدرش، سید حسین عافی، در همین روستا کشاورزی می‌کرد و با وجود خانواده‌ای پرجمعیت زندگی ساده‌ای داشتند. نورالدین در دوران انقلاب در راه‌پیمایی‌ها شرکت دارد و با شنیدن خبر آغاز جنگ ایران و عراق در صدد رفتن به جبهه برمی‌آید ولی به خاطر سن کم او را نمی‌پذیرند. بارها و بارها اقدام می‌کند و بالاخره موفق می‌شود در پاییز سال ۱۳۵۹ در جمع نیروهای داوطلب راهی پادگان آموزشی خاصبان شود. در زمان آموزش خبر می‌رسد که در منطقه به نیروی تازه‌نفس احتیاج شدیدی دارند. از میان داوطلبان، بیست نفر را که نورالدین هم در جمع آن‌ها حضور دارد به منطقه غرب کشور اعزام می‌کنند.

او در منطقه غرب، در سپاه مهاباد به فعالیت می‌پردازد و در سال ۱۳۶۰ عضو رسمی سپاه کردستان می‌شود. پس از خبر شکسته شدن حصر آبادان، با شور و علاقه‌ای وافر در پاییز ۱۳۶۳ با سپاه کردستان تسویه حساب می‌کند و به منطقه عملیاتی جنوب می‌رود. در هفتم مهرماه ۱۳۶۱ هنگام اعزام نورالدین به جبهه جنوب، برادر کوچکش سید صادق نیز با او همراه می‌شود اما در منطقه در اثر بمباران هوایی در برابر چشمان نورالدین به شهادت می‌رسد. در این حادثه، بیست‌وچهار ترکش هم به بدن نورالدین اصابت می‌کند و او در چند نوبت در بیمارستان‌های کرمانشاه و مشهد مورد عمل جراحی قرار می‌گیرد ولی چون از قسمت شکم، صورت و چشم آسیب‌های جدی دیده است، حتی با این عمل‌ها به‌طور کامل بهبود نمی‌یابد. بعد به تبریز می‌رود و پس از شش ماه به جبهه بازمی‌گردد. حدود دو ماه و نیم در پیرانشهر، در عملیات والفجر ۴ که در همین منطقه انجام می‌شود حضور دارد. به دنبال شهادت پسردایی و دوست قدیمی‌اش حسن نمکی، نورالدین به تبریز بازمی‌گردد. او روزهای مرخصی در تبریز را به فعالیت‌های مذهبی و تبلیغی و دیدار از خانواده شهدا و عیادت و مجروحان بیمارستان‌ها می‌گذراند و هر بار پس از استراحتی کوتاه به جبهه برمی‌گردد.

در عملیاتی که طی آن دست‌سور عزیزت به جزیره مجنون می‌رسد، با امیر مارالباش آشنا می‌شود. وی همان کسی است که نورالدین به پاس وفاداری‌اش کتاب خود را به او تقدیم می‌کند. نورالدین در روزهای سال ۱۳۶۳ با وجود جراحات‌های شدید که موجب تغییر حالت چهره‌اش شده است، دختری به نام معصومه را عقد و در سال ۱۳۶۶ با او ازدواج می‌کند. نورالدین در عملیات



متعددی به عنوان غواص حضور می‌یابد. پس از قبول قطعنامه و پایان جنگ که روزهای سختی برای نورالدین است، همه چیز تمام می‌شود. نورالدین برای مداوا به آلمان می‌رود و باز هم تحت عمل جراحی قرار می‌گیرد ولی بنا به درخواست خودش زودتر از موعد به ایران برمی‌گردد.

او پس از ۸۸ ماه حضور در جبهه و عملیات متعددی چون مسلم‌بن عقیل، خیبر، بدر، کربلای چهارم، والفجر ۸، یا مهدی و ... هنسوز دردها و ناراحتی‌های جسمی و دلتنگی دوری از دوستان شهیدش، مخصوصاً امیر مارالباش، را در سینه دارد.

۲. کتاب «پایی که جا ماند»

کتاب «پایی که جا ماند» را انتشارات سوره مهر در سال ۱۳۹۰ منتشر کرده است. سید ناصر حسینی پور در این کتاب، خاطرات خود را با روایتی قهرمانانه از مقاومت پسرچهای در اردوگاه ۱۶ تکریت در پادگان صلاح‌الدین عراق به نگارش درآورده است.

این کتاب از ۱۵ فصل تشکیل شده است، که عناوین آن‌ها جزیره مجنون، جاده خندق - جزیره مجنون، پد خندق - المیمونه، سپاه چهارم عراق - دژبان مرکز بغداد، زندان الرشید - بیمارستان الرشید، بغداد - دژبان مرکز بغداد، زندان الرشید - تکریت، کمپ ملحق - تکریت، اردوگاه ۱۶ - تکریت، بیمارستان القادسیه - تکریت، کمپ ملحق - تکریت، اردوگاه ۱۶ - حبانیه، بیمارستان ۱۷ تموز - اردوگاه ۱۳، رمادیه - ایران، و تولدی دوباره است و در پایان کتاب بخشی هم به اسناد و عکس‌ها اختصاص یافته است.

خلاصه کتاب

راوی در خانواده‌ای مذهبی با نه برادر و هشت خواهر بزرگ می‌شود. او در سال ۱۳۶۶ در حادثه جاده‌سازی ده بزرگ مادر و سه برادر و یک خواهرش را از دست می‌دهد. سی‌وشش روز بعد از این حادثه، در چهارده سالگی با پاک کردن شناسنامه و تغییر سال تولدش رهسپار نبرد حق علیه باطل می‌شود.

ابتدا به عنوان بسیجی در واحد تخریب تیپ ۴۸ فتح مشغول خدمت می‌شود؛ و دوره‌های تخصصی رزم مین و انفجار را طی می‌کند و در زمستان سال ۱۳۶۶ از واحد تخریب به واحد اطلاعات عملیات مأمور می‌شود. با رسیدن خبر پاتک دشمن و حمله توپخانه‌ای به جزیره مجنون، سرنوشت جنگ تغییر

می‌کند.

سید ناصر هم با اصرار به عنوان بلدچی و راهنمای بچه‌های گردان شهدا به جلو می‌رود. در اثر جراحت از ناحیه ساق پا و به دلیل نبود نیروی امدادگر در منطقه می‌ماند. با رسیدن نیروهای عراقی لحظه‌های سخت اسارت برای او آغاز می‌شود. وی در دوران اسارت، شاهد وقایع تکان‌دهنده و درآورد اتفاقات و حوادث ماندگار و درس‌آموز است. پای زخمی‌اش به علت شدت جراحت توسط رژیم بعث عراق قطع می‌شود. پس از گذشت دو ماه از اسارتش، عراقی‌ها خبر آزادی اسرای معلول و مجروح را می‌دهند. در همان روزها تصمیم می‌گیرد خاطرات دو ماه گذشته را با یک کد و یا چند کلمه کوتاه بنویسد و در لوله عصایش جاسازی کند ولی از آزادی اسرای معلول و مجروح خبری نمی‌شود.

دو ماه و نیم بعد، عراقی‌ها از قول وزرای خارجه ایران و عراق در ژنو می‌گویند که به زودی مبادله اسرای بیمار و مجروح انجام می‌شود! سید ناصر هم هر روز با تمام سختی‌هایی که دارد، خاطرات و اتفاق‌های جالب را ثبت می‌کند. او این تاریخ‌ها و گدھا را روی زورق سیگار، کاغذ سیمان و یا حاشیه روزنامه‌های عراقی می‌نویسد.

در روزهای آخر اسارتش، در شهریور ۱۳۶۹ در بیمارستان ۱۷ تیموز در حبانیه، فرصتی پیش می‌آید که روز نوشته‌هایش را از لوله عصایش درآورد و در دفترچه کوچک جیبی‌اش پاک‌نویس کند و موقع آزادی دفترچه را بین بانداژ پای مجروحش به ایران بیاورد. در صفحات ابتدایی کتاب نویسنده این اثر را به خشن‌ترین گروهان ارتش عراق، شکنجه‌گر، ولید فرحان تقدیم می‌کند.

نتیجه‌گیری

ادبیات پایداری ادبیاتی است مربوط به تمام زمان‌ها و مکان‌ها؛ آنجا که مردمی در برابر نابرابری می‌ایستند و گاه، در راه آزادی جان می‌دهند، رسالت نویسنده این است که دست به قلم برده به ذکر مقاومت‌ها و پایداری‌ها بپردازد تا آیندگان را آگاه کند و تاریخی مستند بیافریند.

منابع

۱. بصیری، محمد صادق؛ سیر تحلیلی شعر مقاومت در ادبیات فارسی، ج ۱، دانشگاه شهید باهنر، کرمان؛ ۱۳۸۸.
۲. بیچر استو، هریت؛ ۱۳۷۶، کلبه عمو تم، ترجمه منیرو جزنی، تهران: امیرکبیر.
۳. ترابی، ضیال‌الدین؛ درآمدی بر شعر دفاع مقدس، م. ق. فروغی جهرمی، مقوله‌ها و مقاله‌ها، (۳۱۹-۳۲۰)، مرکز حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، تهران، ۱۳۸۹.
۴. حسینی پور، ناصر؛ پای که جا ماند، انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۲.
۵. داوری، حسین و دیگران؛ ادبیات فارسی سال دوم متوسطه، شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، تهران، ۱۳۸۹.
۶. سپهری، معصومه؛ نورالدین، پسر ایران، انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۰.
۷. سنگری، محمدرضا؛ «ادبیات مقاومت»، فصلنامه شعر، ش ۳۹، ۱۳۸۱.
۸. عیدی، محمدرضا؛ نقد رمان کلبه عمو تم، [HTTP:// HOMAN90. BI-OGFA. COM](http://HOMAN90.BI-OGFA.COM)
۹. کاکایی، عبدالجبار؛ بررسی تطبیقی موضوعات پایداری در شعر ایران و جهان، انتشارات پاییزان، بهار، ۱۳۸۰.